



۲۰۱۹/۱۱/۲۰

دوکتور محمد اکبر یوسفی

## روز جهانی طفل بحران تحمل و گذشت و فقدان تعقل!

درین روزها، طبق معمول، در جهان متمدن، حرف از "حق طفل" و "حفاظت" طفل، در برابر خطرات و صدمات در جریان پرورش آنها، شنیده می شود. این نویسنده، شاعر نیست که چند "سرود" تعریف و توصیف از طفل را هم بسراید، و احساس محبت را با "طفل" که واقعاً دوست داشتنی است، تبارز دهد. اما در عین حال، به این واقعیت آگاه است، که "طفل معصوم" و "آسیب پذیر"، برای آموزش راه و روش زندگی، و برای نمودی لازم جسمی خود، به حفاظت از صدمات بی شمار نیازمند است.

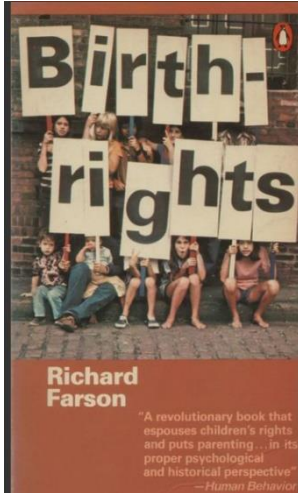


در جامعه جنگ زده و ویران ما که "جنگ" شدیدترین ضربات را بر اطفال و زنان وارد می سازد، با تأسف که در عصر و زمان حاضر، که "تکنالوژی" اطلاعاتی جدید، در دست همگان افتاده است، هستند، کسانی هم که با فقدان تعقل، عدم شناخت از اساسات تربیت "طفل"، بخصوص در زندگی "مهاجرت" که عاری از تصادمات "کلتوری" نیز بوده نمی تواند، با بی مغزی و سبک سری، با استفاده از "فیسبوک" و "یوتوب" و غیره، به اظهارات غیر علمی، نشر تصاویر غیر مجاز و تمایلات "راسیستی" و اشکال "دروغ گوئی ها" و "تفرقه افگنی ها، متوسل می شوند، که این چنین صحنه ها، ضربه شدیدی بر روان اطفال نیز وارد می آورد. زیرا اطمینان وجود ندارد، که تا چه حد اطفال از چنان موضوعات غیر مجاز، دور نگهداشته می شوند. بی تفاوتی ها، ما را به وضعیت بحران تحمل و گذشت و فقدان تعقل روبرو ساخته است، که با عدم توجه به اطفال، آنان را به موضوعاتی مصروف می سازیم، که از یک طرف لحظات طفولیت را از آنها می رباییم و از جانب دیگر، یقین است که این همه انحرافات و دروغ گوئی ها، بدبینی ها و غیره، باعث گمراهی در عمر بعدی آنها، می گردد.

"چارلس دیکنس" (Charles Dickens) می گوید:

"درین دنیای کوچک، که در آن اطفال زندگی می کنند، هیچ چیزی نیست که همچو واضح از جانب آنها، شناخته و احساس می شود، مانند بی عدالتی"

"مهاتما گاندی" گفته است: «اگر دسترسی به صلح حقیقی در جهان می خواهیم، باید با اطفال آغاز کنیم». این مفکوره



دقیق برای ما، می آموزد که تربیت و پرورش سالم "طفل"، آینده اجتماع سالم انسانی را می سازد. با این موجود دوست داشتنی، هیچ کسی نخواهد بود، که حرفی در باره او نداشته باشد. " بیسمارک" که به نوبه خود، در پیوند، زندگی خانوادگی، برخورد پر از لطف و نرمش را با اطفال توصیه می کند، طفل را "بهترین قاضی" نیز می خواند. نویسنده معروف امریکائی، خانم "پیرل اس. بک" (Pearl S. Buck) می گوید:

«اطفالی را که انسان دوست ندارد، بزرگ می شوند، که دوست داشته نمی توانند.»

این چنین ارزیابی ها، باید به مثابه یک زنگ خطر برای انسان هائی باشد، که درین دنیا، طفل از خود تولد می سازد. به این تصویر سمت چپ، که پشتی یک کتاب است، توجه کنید. کسی که از او طفل بدنیا می آید، باید توجه کند که تولد شدن هم، به مفهوم یک حق پذیرفته شده است، او باید حق محبت را از کسانی که وسیله تولد او شده اند، تا سن پختگی، احساس کند. بر پشتی همین کتاب که تصاویر اطفال دید می شوند، به خط درشت "حقوق تولد"، بزبان انلیسی چاپ شده است. در غیر آن این غمگینی می تواند، به مثابه جرم بر دوش تولید کنندگان سنگینی کند.

ممکن بی ربط نباشد، که مردم ما می گویند: "حقیقت را از طفل بپرس". در جمعیت های "اروپائی" بهترین "فیلسوفان"



را در صف اطفال می شمارند. زیرا با استعدادی که در طرح پرسش و سؤال دارند، در باره ماحول خود آگاهی حاصل می کنند. "ماریا مونتسوری"، آنها را "مهمانانی می خواند، که راه را می پرسند".

"ماری فن ایبزر - ایشنباخ" (تصویر اول) (متولد: ۱۳ سپتمبر ۱۸۳۰م و وفات ۱۲ مارچ ۱۹۱۶م) نویسنده "اتریشی"، که حکایات با اهمیتی را به زبان آلمانی، از قرن "نوزده" در بخش "روانشناسی" از خود به میراث گذاشته است، در جایی گفته است: "کسی که در حضور طفل طعنه و تمسخر بزبان می آورد و یا دروغ می گوید، مرتکب یک جنایت مناسب به حکم مرگ، می شود".

افسوس به حال اطفال وطن ما، که درین بحران "چهل سال"، پدران و مادران محتاج و در بدرآنان را هم می یابیم که خود اکثراً امکان آنرا ندارند، که جز

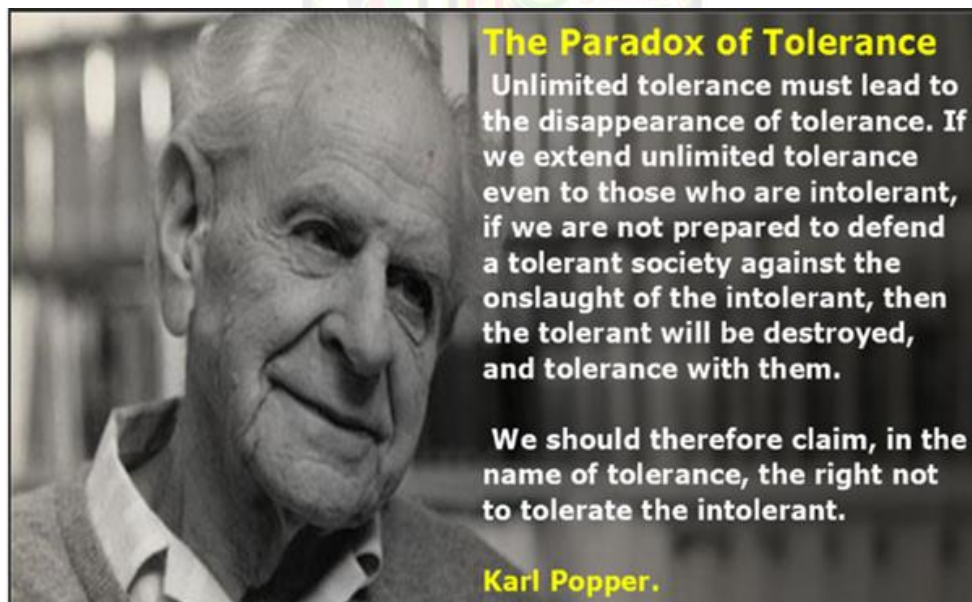
احساس درونی محبت با "طفل"، در پرورش طفل آنطوری که زمان تقاضا دارد، کاری انجام داده بتواند. وضعیت "جنگ" و "سیاستمداران" و اداره کنندگان فاسد فعلی، همه اساسات زندگی کلتوری و سابقه کلتور دولتداری را در کشور ما، "لگدمال" کرده اند، اگر در جوامع دیگر جهان، جوانان و نوجوانان پائینتر از سن ۱۸، در ارتکاب به

«جرم» گرفتار می شوند، در آنکشور ها، محاکم و قوانین خاصی در اختیار دارند، درین جامعه، اگر روزی اقل از روی کلتور و عنعنات وطنی، مفهوم «ترحم» به یتیم، ورد زبان بوده است، حال نه تنها که «منع اطفال به حیث عسکر»، برای آنها، مفهوم نیست، بی شرمانه تر ازین حالت، مبلغین «راسیست» و «جنگ طلب» آنها، نه تنها در حضور اطفال به طعنه و دروغ و تبلیغات «مذهبی» می پردازند، بلکه از اطفال نیز در اهداف سیاسی، استفاده سوء می نمایند. اطفال با سنین خیلی پائین را به کار می گمارند. از «حفاظت» حق طفل اصلاً شنیده نمی شود.

«حقوق طفل» به مفهوم وسیع، که هدف از حق جوانان و اطفال است، به معیار جهانی، در یک میثاق سازمان ملل متحد، به تاریخ ۲۰ نومبر ۱۹۸۹م، در جلسه عمومی سازمان ملل متحد، بتصویب رسیده است. اکثریت کشورها، این فیصله را در کشورهای آنها نیز تصویب نموده اند. این تصویب را نتیجه پروسه آغاز یافته بعد از جنگ دوم جهانی، که در سال ۱۹۴۸م براه افتاده است، می دانند. («ویکیپدیا») در تصویر سمت «چپ» (بالا، دوم) اطفال و نو جوانان را نشان می دهد، که برای احقاق حقوق آنها به مبارزه پرداخته اند. تسمه های سینه های آنها، هوشداری به "بردگی و بندگی" را تبارز می دهند.

"البرت انشتاین"، مخترع و نابغه اخیر قرن نوزده و نیمه اول قرن بیست گفته است: "هیچ اختراع بزرگ و ترقی تا زمانی وجود ندارد، که یک طفل غمگین در جهان وجود داشته باشد."

ازین اطفال وطن ما، تا به کی "جنگ"، حق "طفولیت" را، از آنها، بریاید. آیا دولت نباید، در ساختار دولتی، خود را "حافظ" حقوق اطفال بدانند؟ این اطفال و نوجوانان وطن ما، حق دارند تا در ساختار و در تشکیل دولت، "ارگان قانونی" خاص خود را داشته باشند.



(«تناقض آمیزی تحمل، تحمل نا محدود، باید به نا پدید شدن تحمل بینجامد. اگر ما تحمل را، حتی در برابر آنانی که، متعصب و بی گذشت اند، نا محدود تمدید می بخشیم، اگر ما آمادگی نداشته باشیم که از یک اجتماع با تحمل علیه یورش و حمله متعصب و بی گذشت دفاع کنیم، بعد تحمل و گذشت ویران خواهد شد، و تحمل هم با آنها، بنا برین ما باید، مطالبه کنیم، که بنام تحمل و گذشت، حق است، که متعصب و بی گذشت را تحمل نکنیم.» «کارل پوپر»)

بحران "چهل سال" کشور ما، با "تکنالوژی" جدید اطلاعاتی، دشمنان "مُدرن" بوجود آورده است، که با سرعت "برق آسا"، شب و روز کنترل ناپذیر، فعال اند. از جمله تمام "تخلقات" یکی هم، عدم توجه به "اطفال" و "حفظ حقوق" طفلی آنهاست. آنچه خیلی دردآور بوده می تواند، اینست که ازین "تکنالوژی اطلاعاتی جدید"، فقط کمیت محدود "با سواد" در داخل کشور بحرانی ما و هم "مهاجرین" در خارج و بخصوص در اروپا و امریکا و کشور های "نفت خیز خلیج" مستفید می شوند. کسانی که امکانات دسترسی به این "تکنالوژی" دارند، با استفاده از آن، تبلیغات نا شایسته آنها را هم، به پیش می برند.

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمایی شوند!



بحران تحمل و گذشت و فقدان تعقل!

Yusufi\_akbar\_٦٤\_bohran\_tahamol\_wa\_gozasht.pdf